

مقدمه

امروزه مشخص شده است که رشد شخصیت و بهداشت روانی - جسمی انسان، با توانایی برقراری ارتباط با دیگران مرتبط بوده و یک رابطه نارسا، می‌تواند سلامت جسمی و روانی شخص را تحت تأثیر قرار دهد (بولتون، ۱۳۸۱، ص ۱۶). از سوی دیگر، تعارض بخش اجتناب‌ناپذیر هستی انسان است. هر زمان و هر جا که افراد دور هم جمع باشند، احتمال وقوع تعارض وجود دارد (باباپورخیرالدین، ۱۳۸۱، ص ۳۵). داستان‌ها و تمثیل‌های قرآن کریم و بیان عناوین خیر و شر، حق و باطل، عدل و ظلم، نور و ظلمت و نیز داستان‌هایی چون موسی و فرعون، یوسف و برادران، اصحاب کهف و... همه نشانگر وجود تعارض می‌باشند (شهرکنی، ۲۰۰۲، ص ۲۰). به‌طور کلی، منبع تعارضات میان‌فردی، که طبق نظریه رایس به دو دسته سازنده - که منجر به درک کامل‌تر در جهت مصالحه و حل مشکل و کاهش هیجانات منفی و ایحاد احترام و خلاقیت می‌شود - و مخرب - که فرد را درگیر کرده و موجب شرمندگی و تحقیر و اهانت و تنبیه می‌شود و ایجاد ایده منفی نسبت به شخص مقابل می‌کند - تقسیم شده، ریشه در تفاوت‌های فردی دارد؛ زیرا افراد از نظر نگرش‌ها، رفتار و ساختار شخصیتی با یکدیگر متفاوتند (رایس، ۱۹۹۶، ص ۱۷). فهم این تفاوت‌ها و تأثیر آنها بر چگونگی رفتار افراد موجب فهم فرایند تعارض و کاهش بروز آن شده و به حل مؤثر تعارضات خواهد انجامید (همان، ص ۳۶). امروزه با توجه به اهمیت این موضوع، سه نظریه متفاوت در مورد تعارض در محیط‌ها وجود دارد. طبق نظریه سستی تعارض، باید از تعارض دوری جست؛ چراکه کارکردهای زیانباری در درون محیط خواهد داشت. نظریه روابط انسانی، تعارض را امری طبیعی می‌داند که در هر سازمانی پیامدهای حتمی و مسلمی دارد؛ بی‌ضرر و به‌طور بالقوه نیروی مثبتی را برای کمک به عملکرد اعضا ایجاد می‌کند. براساس سومین نظریه و مهم‌ترین دیدگاه در سال‌های اخیر یعنی نظریه تعاملی، تعارض نه تنها می‌تواند یک نیروی مثبت در سازمان ایجاد کند، بلکه یک ضرورت بدیهی برای فعالیت‌های سازمانی به‌شمار می‌آید (رابینز، ۲۰۰۶، ص ۶۲۱). بر این اساس، یافته‌ها بیانگر این نکته هستند که در اغلب موارد، وجود پیوندهای صمیمانه، تعارضات را تحت کنترل درآورده و احساسات مثبت را برقرار می‌سازد (بیابانگرد، ۱۳۸۴، ص ۱۰۹). در پی آن، یکی از محیط‌های مؤثر بر تعارض بین‌فردی، محیط خانواده و زندگی با افرادی است که تقریباً ۲۰ سال از فرد (فرزند) تفاوت سنی دارند (حشمت‌السادات، ۱۳۸۳). در کل یکی از مشکلاتی که خانواده در هنگام پرورش فرزندان با آن مواجه می‌شود، نافرمانی و مخالفت فرزندان با خواسته‌های والدینشان است که می‌تواند ناشی از خواسته فرزندان مبنی بر تغییر رفتار والدین و یا مقایسه فرزند، با آرمان‌های والدین باشد (سموعی، ۱۳۸۲). اگرچه پژوهش‌ها از این امر حمایت می‌کنند که تعارض جزئی از روابط والدین و فرزندان است و کشمکش یا نزاع میان فرزندان و والدین دور از انتظار نیست، اما باید توجه داشت که در طولانی مدت چنین امری مانع ایجاد روابط مثبت و سازگارانه بین والد و فرزند می‌شود (ریسج و همکاران، ۲۰۰۳، ص ۲۴۷).

رابطه تنظیم هیجانی و اعتقادات مذهبی با راهبردهای حل تعارض با والدین در دانشجویان

askary47@yahoo.com

safarzadeh1152@yahoo.com

کلیه پرویز عسگری / استادیار گروه روان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی اهواز
 سحر صفرزاده / عضو هیئت علمی گروه روان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی اهواز
 دریافت: ۱۳۹۲/۴/۲۳ - پذیرش: ۱۳۹۲/۹/۲۰

چکیده

هدف از این پژوهش، شناسایی رابطه تنظیم هیجانی و اعتقادات مذهبی با راهبردهای حل تعارض با والدین در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز بود. جامعه آماری شامل کلیه دانشجویان مشغول به تحصیل (۹۲-۹۱) در دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز و نمونه شامل ۲۰۰ نفر (۱۰۰ دختر و ۱۰۰ پسر) بود که به روش تصادفی طبقه‌ای انتخاب شدند. برای گردآوری داده‌ها از سه پرسش‌نامه تنظیم هیجانی، اعتقادات مذهبی آراین و مقیاس تاکتیک تعارض با والدین اشتراوس، استفاده شد. تحلیل داده‌ها از ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه در سطح معناداری $p < 0.001$ نشان داد که بین تنظیم هیجانی و اعتقادات مذهبی، با راهبردهای تعارض با والدین در دانشجویان رابطه معنادار وجود دارد. همچنین تنظیم هیجانی و اعتقادات مذهبی، با راهبردهای حل تعارض با والدین در دانشجویان رابطه چندگانه وجود دارد. در عین حال، تحلیل رگرسیون نشان داد که تنظیم هیجانی و اعتقادات مذهبی به ترتیب پیش‌بینی‌کننده بهتری برای متغیرهای راهبرد استدلال و پرخاشگری کلامی و اعتقادات مذهبی نیز به‌تنهایی پیش‌بینی‌کننده مناسبی برای متغیر ملاک راهبرد پرخاشگری فیزیکی می‌باشند.

کلیدواژه‌ها: تنظیم هیجانی، اعتقادات مذهبی، راهبردهای حل تعارض با والدین، دانشجویان.

از این رو، روان‌شناسان در تحقیقات متعدد خود به این نتیجه رسیده‌اند که خانواده مطلوب و ایده‌آل، خانواده‌ای است که امنیت عاطفی، احساس ارزشمندی، باور تعلق و مورد عشق و علاقه بودن را به وسیله ارتباط با شخص تأمین کند. در این خانواده‌ها، افراد فرصت بیشتری برای نیل به استقلال و مسئولیت‌پذیری خواهند داشت و فرزندان، سازگاری هیجانی مناسب‌تری دارند (نوایی‌نژاد، ۱۳۷۷، ص ۲۷) به دنبال آن، تعارضات پدر و فرزند به شکل پرخاشگری فیزیکی و کلامی، یا وجود ندارد یا از طریق راهکار استدلال، حل شده و سازنده بوده و موجب خلاقیت می‌گردد.

از سوی دیگر، یکی از عواملی که با تعارضات فرزند و پدر مرتبط می‌باشد، تنظیم و کنترل هیجانی شخص است. تنظیم هیجانی به‌عنوان فرایند آغاز، حفظ، تعدیل یا تغییر در بروز، شدت یا استمرار احساس درونی و هیجان مرتبط با فرایندهای اجتماعی- روانی و فیزیکی در به انجام رساندن اهداف فرد تعریف می‌شود (ویمز و پینا، ۲۰۱۰، ص ۱۷۱). در واقع، تنظیم هیجانی تنها سرکوب هیجان‌ها نیست، بلکه شامل فرایندهای نظارت و تغییر تجربیات هیجانی شخص است (تامپسون، ۱۹۹۴، ص ۳۸). با توجه به اینکه تنظیم هیجانی به منظم کردن فرایندهای احساسی در راستای عملکرد تطبیقی اطلاق می‌شود (آقازاده و احدیان، ۱۳۷۷، ص ۵۱)، و در عین حال یک رفتار اکتسابی است که از دوران کودکی باید در فرد نقش ببندد، والدین می‌توانند با فراهم کردن محیط آموزشی غیررسمی موجب [تقویت کنترل هیجان‌ات و] علاقه‌مندی کودک به حل مسائل [تعارض‌زا] از طریق مهارت در ارزشیابی، نظارت و هدفمندی شوند (استریت و همکاران، ۲۰۰۱، ص ۴۵۶). این امر خود می‌تواند در برخورد فرزند با پدر در هنگام تعارض دوران بزرگسالی مؤثر باشد. استریت و همکاران (۲۰۰۱) نیز به این نتیجه رسیدند که تعاملات و آموزش‌های والدین، نقش مهمی در پیش‌بینی یادگیری خودتنظیمی هیجانی فرزندان دارد (همان). آموزش‌های فراشناختی و راهبردی والدین و الگویی آنها به فرزندان کمک می‌کند تا دانش فراشناختی را فراگیرند و در نتیجه، خودتنظیمی را بهبود بخشند. علاوه بر این، حمایت والدین، ابزار مهمی برای رشد احساس کفایت و مهار شخصی است (همان). این به نوبه خود، با کاربرد رفتارهای خودتنظیمی هیجانی رابطه دارد (استریت و همکاران، ۲۰۰۱، ص ۴۵۷؛ زیمرمن و مارتین- پونز، ۱۹۸۸) و می‌تواند فرد را در استفاده از بهترین راهبرد حل تعارض با والدین رهنمود سازد.

در عین حال، از جمله عوامل دیگر مؤثر در روابط فرزند با والدین، اعتقادات مذهبی و التزام به انجام اعمال دینی می‌باشد. تحقیقات افرادی همچون مسی (۲۰۱۰) و نووال (۲۰۱۰) نشان می‌دهد دین و اعتقادات مذهبی، که از عوامل مهم و تأثیرگذار در سلامت روان است، چهره جهان را در نظر فرد معتقد دگرگون می‌سازد و طرز تلقی او را از خود، خلقت و رویدادهای پیرامون تغییر می‌دهد (کروز، ۲۰۰۳، ص

۱۶۰). در کل این افراد حوادث متعارض را با تکیه بر ایمان و اعتقاد خود راحت‌تر می‌گذرانند، کمتر دستخوش استرس و اضطراب و تعارض می‌شوند (عسگری و دیگران، ۱۳۸۸). در همین زمینه، بیان می‌شود که اعتقادات دینی و مذهب به انسان آرامش می‌دهد، امنیت فرد را تضمین می‌کند، خلأهای اخلاقی، عاطفی و معنوی را در فرد و اجتماعات استحکام داده و پایگاه محکمی برای انسان در برابر مشکلات و محرومیت‌های زندگی ایجاد می‌کند (اسدی نوقانی و دیگران، ۱۳۸۴، ص ۳۹). این امر خود می‌تواند از عوامل زمینه‌ساز و پیش‌بینی‌کننده وجود عدم تعارض منفی و مخرب با اطرافیان بخصوص با والدین باشد. از سوی دیگر، در آموزه‌های دینی و در کتاب آسمانی قرآن کریم نیز در مورد والدین و حل تعارضات با آنها چنین بیان شده است: «او پروردگارت فرمان داده است: جز او را نپرستید و به پدر و مادر نیکی کنید. هرگاه یکی از آن دو یا هر دوی آنها به پیری رسیدند کمترین اهانتی به آنها روا نداشته و بر آنها فریاد مزین و گفتار سنجیده و لطیف و بزرگووارانه به آنها بگو و بال‌های تواضع خویش را خاضعانه در برابر آنان فرود آر و بگو: پروردگارا، همان‌گونه که مرا در کودکی تربیت کردند، مشمول رحمتشان قرار ده» (اسراء: ۲۳ و ۲۴). این مهارت‌هایی که در آیه شریفه فوق و سایر آیات شریفه مرتبط در قرآن کریم آمده است، هم نشان‌دهنده راه‌حل تعارضات منفی و هم مستلزم کنترل هیجانی مناسب شخص، که نشانه تربیت دوران کودکی فرد است، می‌باشد. در همین راستا، براون طی تحقیقی نشان داد که تعارضات منفی در روابط پدر و مادر، که در اوایل نوجوانی فرزند اتفاق می‌افتد موجب می‌شود که تنظیم هیجان‌ات و راهبردهای تنظیم احساسات در نوجوانان با مشکل مواجه شود (براون، ۲۰۱۱، ص ۱).

کسکین و لاولر رو و دیگران نیز به این نتیجه دست یافتند که بین سبک دلبستگی ایمن و مشکلات ارتباطی، رابطه منفی و بین سبک دلبستگی نایمن با مشکلات ارتباطی و نگرش منفی به والدین رابطه مثبت وجود دارد (کامرانی فکور، ۱۳۸۵). بشارت و همکاران (۱۳۸۴) در تحقیقات مشابهی نشان دادند، حمایت درک‌شده از سوی والدین با رفتارهای مخاطره‌آمیز نوجوان مانند کنک‌کاری فیزیکی و استفاده از مواد و تمایل به خودکشی و فرار از منزل رابطه معناداری دارد. همچنین بین حمایت عاطفی دریافت‌شده از والدین در آغاز زندگی و سلامت رفتاری و هیجانی فرد در بزرگسالی همبستگی معنادار دیده شده است. بر این اساس، در یک مطالعه طولی که توسط آداب‌رادوتیر و رافسون انجام گرفت، مشخص شد دانش‌آموزانی که رفتارهای ضداجتماعی بیشتری دارند، سطح خودکنترلی کمتری دارند (خدایاری فرد و دیگران، ۱۳۸۷، ص ۱۳۵). در تحقیق ایمانی فرد و کامکار (۱۳۸۹) مشخص شد که دختران فراری نسبت به دختران عادی، از نگرش‌های ناکارآمد و خشونت خانوادگی بالاتری برخوردارند و خشونت فیزیکی و کلامی بیشتری را نسبت به دختران عادی دریافت کرده بودند. این عوامل موجب استفاده از راه‌حل‌های ناکارآمد در هنگام

تعارض با والدین و فرار آنها شده است. *نظامی* در پژوهشی به این نتیجه دست یافت که آموزش شیوه‌های فرزندپروری بر راهبردهای حل تعارض با فرزندان تأثیر معناداری دارد. به‌طوری‌که آموزش شیوه‌های فرزندپروری ایمن موجب استفاده بیشتر والدین از راهبرد حل تعارض استدلال و استفاده کمتر از راهبردهای حل تعارض پرخاشگری کلامی و فیزیکی می‌شود (نظامی، ۱۳۸۸، ص ۴۷). در همین زمینه، *مرادی و ثنائی* (۱۳۸۵) نیز طی تحقیقی نشان دادند که برنامه آموزش مهارت‌های حل مسئله توانسته است تعارض، پرخاشگری کلامی و پرخاشگری فیزیکی دانش‌آموزان را با والدینشان به‌طور معناداری کاهش دهد. همچنین توانایی استفاده از راهبردهای استدلالی را در آنها به‌طور معناداری افزایش دهد. *زابلی و دیگران* (۱۳۸۴) در پژوهشی به این نتیجه دست یافتند که روش روان‌نمایشگری که یک راه درمان روان‌شناختی است موجب افزایش استفاده از راهبرد استدلال و کاهش معنادار میزان پرخاشگری کلامی می‌شود. همچنین نیز منجر به کاهش میزان استفاده از راهبردهای پرخاشگری فیزیکی جهت رفع تعارض دختر و مادر می‌گردد. *بکتاش و همکاران* (۱۳۸۴) نیز بیان داشتند که گروه مواجهه، تعارض مادر و دخترها را کاهش داده و در بهبود ارتباط و عاطفه مثبت بین مادرها و دخترها مؤثر است.

از سوی دیگر، طی تحقیقات انجام‌شده نماز می‌تواند به‌عنوان یک تاکتیک حل تعارض و ایجادکننده یک پیامد بالینی برای حل مشکلات زناشویی بین زوجین باشد و تعارضات خانوادگی زن و شوهر را کاهش دهد (باتلر و همکاران، ۲۰۱۰، ص ۲۰). *مورگان و همکاران* (۲۰۰۶)، نیز طی مطالعه‌ای نشان دادند که بین سلامت معنوی و کیفیت زندگی جسمانی، هیجانی و سلامت عملکرد رابطه معناداری وجود دارد. *میلر و همکاران*، در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند نوجوانانی که دیندار نیستند و نمرات پایینی در اندازه‌گیری میزان فعالیت دینی به‌دست می‌آورند، در مقایسه با نوجوانان دارای سطح بالاتر فعالیت دینی، رفتارهای ضداجتماعی بیشتری دارند (خدایاری‌فرد و دیگران، ۱۳۸۷، ص ۱۳۵). *براندفورد* و دیگران دریافتند که تعارض پدر و مادر منجر به مشکلات رفتاری و تعارضات در رفتار نوجوانان می‌شود و می‌تواند عاملی در رفتارهای ضداجتماعی نوجوانان باشد، ولی اعتقادات مذهبی در نوجوانان موجب کاهش رفتارهای ضداجتماعی در چنین شرایطی می‌شد (براندفورد و همکاران، ۲۰۰۸، ص ۷۸۰). *خداپناهی و خاکسار بلداجی* (۱۳۸۴) نیز نشان دادند در مورد مقایسه سازگاری هیجانی در افراد با جهت‌گیری مذهبی درونی و بیرونی، نتایج بیانگر این است که افراد با جهت‌گیری درونی از نظر سازگاری کلی، اجتماعی، هیجانی و تندرستی نسبت به افراد با جهت‌گیری مذهبی بیرونی وضعیت مناسب‌تری دارند.

با توجه به این مطالب و تحقیقات انجام‌شده، این پژوهش در پی بررسی رابطه تنظیم هیجانی و اعتقادات مذهبی با راهبردهای تعارض فرد با والدین در دانشجویان دختر و پسر شهر اهواز بوده و به

بررسی فرضیه‌های زیر پرداخته است: ۱. بین تنظیم هیجانی با راهبردهای حل تعارض با والدین در دانشجویان رابطه وجود دارد؛ ۲. بین اعتقادات مذهبی با راهبردهای حل تعارض با والدین در دانشجویان رابطه وجود دارد؛ ۳. بین تنظیم هیجانی و اعتقادات مذهبی با راهبردهای حل تعارض با والدین در دانشجویان رابطه چندگانه وجود دارد.

روش پژوهش

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری: جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه دانشجویان دختر و پسر دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز بود که در سال تحصیلی ۹۲-۱۳۹۱ مشغول به تحصیل بودند. نمونه این تحقیق، شامل ۲۰۰ نفر دانشجو از جامعه مذکور می‌باشد که برای انتخاب آنها، از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای استفاده گردید. بدین ترتیب، در ابتدا فهرستی از دانشکده‌های دانشگاه آزاد واحد اهواز تهیه و از میان هر دانشکده به تناسب فراوانی تعداد دانشجویان دختر و پسر تعداد مناسب انتخاب و مورد آزمون قرار گرفتند. به دنبال آن، به دلیل اینکه تحقیق از نوع همبستگی بود، داده‌های جمع‌آوری‌شده از طریق روش همبستگی پیرسون و رگرسیون چندمتغیره تجزیه و تحلیل و محاسبه شدند.

ابزار اندازه‌گیری؛ در این پژوهش از سه ابزار زیر استفاده شده است.

الف. پرسش‌نامه دشواری در تنظیم هیجانی: پرسش‌نامه حاضر توسط *گراتر* ساخته شده است. این پرسش‌نامه، ۳۶ متغیر چندبعدی خودگزارشی است که الگوهای تنظیم هیجانی افراد مورد ارزیابی قرار می‌دهد (امینیان، ۱۳۸۸، ص ۹۵). *گراتر* اعتبار این پرسش‌نامه را ۰/۹۳ و پایایی آن را به روش آلفای کرونباخ ۰/۸۰ گزارش کرده است. در پژوهش *امینیان* (۱۳۸۸)، پایایی آن با دو روش آلفای کرونباخ و تصنیف به ترتیب برابر ۰/۸۶ و ۰/۸۰، محاسبه شد. *حیدرئی و اقبال* (۱۳۸۹) نیز برای تعیین پایایی پرسش‌نامه تنظیم هیجانی، از دو روش آلفای کرونباخ و تصنیف استفاده کردند که به ترتیب برابر با ۰/۹۱ و ۰/۸۵ بود. در عین حال آنها برای تعیین اعتبار پرسش‌نامه حاضر، این پرسش‌نامه را با مقیاس هیجان‌خواهی *ذاکرمین* همبسته کردند که مشخص شد ضریب اعتبار به‌دست‌آمده ($p < 0/01$, $r = 0/54$, $n = 100$) بود. این امر حاکی از اعتبار قابل قبول آن می‌باشد. در این پژوهش نیز برای تعیین پایایی پرسش‌نامه تنظیم هیجانی از دو روش آلفای کرونباخ و تصنیف استفاده شد که به ترتیب برابر ۰/۸۴ و ۰/۸۰ بود.

ب. مقیاس اعتقادات مذهبی آرین: مقیاس آرین، یک ابزار خودگزارشی برای سنجش میزان اعتقادات مذهبی فرد بوده که شامل ۲۰ سؤال می‌باشد. نمره‌گذاری هر سؤال بر روی یک پیوستار از ۱ تا ۵ است. در تحقیقی، این مقیاس بر گروهی از دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز اجرا شد و ضریب همبستگی به‌دست‌آمده به روش اعتبار سازه‌ای برابر ۰/۵۶ $r =$ ($p < 0/01$) و ضریب پایایی آن را برابر ۰/۸۹ به‌دست

آمد (موحد، ۱۳۸۲، ص ۸۱). در تحقیق حاضر، برای تعیین پایایی مقیاس اعتقادات مذهبی آرین از دو روش آلفای کرونباخ و تصنیف استفاده شد که به ترتیب، برابر با ۰/۹۰ و ۰/۸۹ بود.

ج. مقیاس تاکتیک تعارض با پدر و مادر: این پرسش‌نامه توسط موری ای. اشتراوس تهیه شده و دارای ۱۵ سؤال است که سه تاکتیک حل تعارض یعنی استدلال، پرخاشگری کلامی و پرخاشگری فیزیکی را می‌سنجد (ثنایی و دیگران، ۱۳۸۷، ص ۳۶). پنج سؤال اول پرسش‌نامه، استدلال، پنج سؤال دوم، پرخاشگری کلامی و پنج سؤال سوم، پرخاشگری فیزیکی را می‌سنجد. پرسش‌نامه روی ۱۰۰ نفر از اعضای جامعه اجرا گردید. پایایی آن برای کل آزمون ۰/۷۸ و برای خرده‌مقیاس‌های استدلال ۰/۷۰، پرخاشگری کلامی ۰/۷۴ و پرخاشگری فیزیکی ۰/۸۱ به‌دست آمد. همچنین پرسش‌نامه برای بار دوم، روی ۶۰ نفر دیگر از اعضای جامعه اجرا گردید. پایایی تست اجرا شده با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۷۲ برای کل آزمون و برای خرده‌مقیاس‌های استدلال ۰/۶۱، پرخاشگری کلامی ۰/۶۹ و پرخاشگری فیزیکی ۰/۷۶ به‌دست آمد و اعتبار تست با استفاده از نظرات استادان راهنما و مشاور و همچنین دانشجویان دکتری مشاوره سنجیده شد که اعتبار آن را تأیید نمودند. همچنین این پرسش‌نامه، توسط زابلی در سال ۱۳۸۳ بر روی ۴۶ نفر اجرا گردید و پایایی آن از روش آلفای کرونباخ برای کل آزمون ۰/۷۴ و برای خرده‌مقیاس استدلال ۰/۵۸، پرخاشگری کلامی ۰/۶۵ و پرخاشگری فیزیکی ۰/۸۲ گزارش شد (مرادی و ثنائی، ۱۳۸۵). دامنه نمرات برای هر مقیاس، بین ۵ تا ۲۵ می‌باشد. نمره ۵ نشان‌دهنده عدم تعارض در رابطه و نمره ۲۵ نشان‌دهنده بیشترین تعارض می‌باشد. دامنه نمرات برای کل آزمون، بین ۱۵ تا ۷۵ می‌باشد که نمره ۱۵ نشان‌دهنده عدم تعارض و نمره ۷۵ نشان‌دهنده وخیم بودن رابطه می‌باشد (همان). در این پژوهش حاضر نیز برای تعیین پایایی این پرسش‌نامه از روش آلفای کرونباخ استفاده شد که برای کل آزمون ۰/۸۰ و برای خرده‌مقیاس استدلال ۰/۷۶، پرخاشگری کلامی ۰/۷۱ و پرخاشگری فیزیکی ۰/۸۴ به‌دست آمد.

یافته‌های پژوهش

الف. یافته‌های توصیفی: یافته‌های توصیفی این پژوهش در جدول شماره ۱ ارائه شده است.

جدول شماره ۱. میانگین، انحراف معیار، حداقل و حداکثر نمرات متغیرهای پژوهش

شاخص آماری	میانگین	انحراف معیار	حداقل نمره	حداکثر نمره	تعداد
راهبرد مبتنی بر استدلال	۱۶/۴۷	۳/۵۱	۸	۲۵	۲۰۰
راهبرد مبتنی بر پرخاشگری کلامی	۱۱/۸۴	۴/۵۸	۴	۲۵	۲۰۰
راهبرد مبتنی بر پرخاشگری فیزیکی	۵/۳۳	۳/۵۳	۰	۱۶	۲۰۰
تنظیم هیجانی	۹۱/۰۳	۲۴/۰۳	۵۰	۱۴۵	۲۰۰
اعتقادات مذهبی	۷۰/۱۳	۱۷/۵۱	۳۶	۱۰۰	۲۰۰

ب. یافته‌های مربوط به فرضیه‌های پژوهش:

جدول شماره ۲. ماتریس همبستگی بین متغیرها

ردیف	متغیر	۱	۲	۳	۴	۵
۱	راهبرد مبتنی بر استدلال	۱				
۲	راهبرد مبتنی بر پرخاشگری کلامی	-.۰/۸۳۷**	۱			
۳	راهبرد مبتنی بر پرخاشگری فیزیکی	-.۰/۵۱۲**	۰/۵۰۴**	۱		
۴	اعتقادات مذهبی	۰/۸۴۳**	-.۰/۷۸۰**	-.۰/۵۴۳**	۱	
۵	تنظیم هیجانی	۰/۸۲۸**	-.۰/۷۶۲**	-.۰/۴۹۷**	۰/۸۲۸**	۱

$p = ۰/۰۰۱$ **

طبق جدول شماره ۲، نشان داده شده است که بین تنظیم هیجانی و اعتقادات مذهبی، با راهبرد استدلال دانشجویان رابطه مثبت معنادار وجود دارد. در عین حال، بین تنظیم هیجانی و اعتقادات مذهبی با راهبرد پرخاشگری کلامی و همچنین بین تنظیم هیجانی و اعتقادات مذهبی، با راهبرد پرخاشگری فیزیکی دانشجویان رابطه منفی معنادار وجود دارد. بنابراین فرضیه‌های اول و دوم پژوهش مورد تأیید واقع شد؛ یعنی با افزایش تنظیم هیجانی و اعتقادات مذهبی میزان استفاده از راهبرد حل تعارض استدلال افزایش و راهبردهای حل تعارض پرخاشگری کلامی و فیزیکی کاهش می‌یابد.

جدول شماره ۳. ضرایب رگرسیون چندگانه متغیرهای پیش‌بین با راهبرد حل تعارض مبتنی بر استدلال

متغیرهای پیش‌بین	R	R2	F	p=	β	t	p=
تنظیم هیجانی	۰/۸۷۶	۰/۷۶۸	۳۲۶/۱۲۷	۰/۰۰۰۱	۰/۴۱۲	۶/۸۲۷	۰/۰۰۰۱
اعتقادات مذهبی					۰/۵۰۶	۸۳۷۸	۰/۰۰۰۱

همان‌طور که جدول ۳ نشان می‌دهد، رگرسیون پیش‌بینی راهبرد حل تعارض مبتنی بر استدلال دانشجویان از روی تنظیم هیجانی و اعتقادات مذهبی معنادار است. بنابراین، فرضیه چهارم تأیید می‌گردد. متغیر تنظیم هیجانی و متغیر اعتقادات مذهبی می‌توانند به‌طور مثبت و معناداری راهبرد حل تعارض مبتنی بر استدلال دانشجویان را پیش‌بینی کنند. همچنین، مقدار R2 نشان می‌دهد ۷۶/۸٪ از واریانس راهبرد حل تعارض مبتنی بر استدلال دانشجویان توسط متغیرهای یادشده تبیین می‌شود.

جدول شماره ۴. ضرایب رگرسیون چندگانه متغیرهای پیش‌بین با راهبرد حل تعارض مبتنی بر پرخاشگری کلامی

متغیرهای پیش‌بین	R	R2	F	p=	β	t	p=
تنظیم هیجانی	۰/۸۰۸	۰/۶۵۳	۱۸۵/۰۵۲	۰/۰۰۰۱	-.۰/۳۷۳	-۵/۰۵۰	۰/۰۰۰۱
اعتقادات مذهبی					-.۰/۴۷۳	-۶/۴۰۲	۰/۰۰۰۱

همان‌طور که جدول ۴ نشان می‌دهد، رگرسیون پیش‌بینی راهبرد حل تعارض مبتنی بر پرخاشگری کلامی دانشجویان از روی تنظیم هیجانی و اعتقادات مذهبی معنادار است. بنابراین، فرضیه چهارم تأیید

می‌گردد. متغیر تنظیم هیجانی و متغیر اعتقادات مذهبی، می‌توانند به‌طور منفی و معناداری راهبرد حل تعارض مبتنی بر پرخاشگری کلامی دانشجویان را پیش‌بینی کنند. همچنین، مقدار R2 نشان می‌دهد ۶۵/۳٪ از واریانس راهبرد حل تعارض، مبتنی بر پرخاشگری کلامی دانشجویان توسط متغیرهای یادشده تبیین می‌شود.

جدول شماره ۵ ضرایب همبستگی چندگانه متغیرهای پیش‌بین (تنظیم هیجانی و اعتقادات مذهبی)

با راهبرد حل تعارض مبتنی بر پرخاشگری فیزیکی

متغیرهای پیش‌بین	R	R2	F	p=	β	t	p=
تنظیم هیجانی	۰/۵۵۰	۰/۳۰۳	۴۲/۷۵۶	۰/۰۰۰۱	-۰/۱۵۸	-۱/۵۰۷	۰/۱۳۳
اعتقادات مذهبی					-۰/۴۱۳	-۳/۹۴۹	۰/۰۰۰۱

طبق جدول ۵، رگرسیون پیش‌بینی راهبرد حل تعارض مبتنی بر پرخاشگری فیزیکی دانشجویان از روی تنظیم هیجانی و اعتقادات مذهبی معنادار است. بنابراین، فرضیه چهارم تأیید می‌گردد. متغیر اعتقادات مذهبی می‌تواند به‌طور منفی و معناداری راهبرد حل تعارض مبتنی بر پرخاشگری فیزیکی دانشجویان را پیش‌بینی کند. ولی متغیر تنظیم هیجانی نمی‌تواند به‌طور معناداری راهبرد حل تعارض مبتنی بر پرخاشگری فیزیکی دانشجویان را پیش‌بینی نماید. همچنین، مقدار R2 نشان می‌دهد ۳۰/۳٪ از واریانس راهبرد حل تعارض مبتنی بر پرخاشگری فیزیکی دانشجویان توسط متغیرهای یادشده تبیین می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

براساس فرضیات مطرح‌شده، این پژوهش به دنبال آن بود که مشخص نماید «آیا بین تنظیم هیجانی و اعتقادات مذهبی با راهبردهای حل تعارض با والدین در دانشجویان رابطه وجود دارد؟». طبق یافته‌های حاصل از این تحقیق، فرضیه اول: بین تنظیم هیجانی با راهبردهای حل تعارض با والدین در دانشجویان رابطه معنادار وجود دارد. بین تنظیم هیجانی و راهبرد مبتنی بر استدلال دانشجویان رابطه مثبت معنادار وجود دارد. در عین حال، بین تنظیم هیجانی با راهبرد پرخاشگری کلامی و راهبرد پرخاشگری فیزیکی دانشجویان رابطه منفی معنادار وجود دارد. به عبارت دیگر، با افزایش تنظیم هیجانی میزان استفاده از راهبرد حل تعارض استدلال افزایش و میزان استفاده از راهبردهای حل تعارض پرخاشگری کلامی و فیزیکی کاهش می‌یابد. بنابراین، فرضیه اول تأیید شد.

نتایج حاصل از این فرضیه، با یافته‌های براون (۲۰۱۱)، کسکین (۲۰۰۸)، دلاولر رو و دیگران (۲۰۰۶)، اسپرینگر و دیگران (۲۰۰۶)، شاولی، بی. و دیگران (۲۰۰۴)، دای و کیلدوف (۲۰۰۳)، آداب‌رادوتیر و رافنسون (۲۰۰۲)، ایمانی‌فرد و کامکار (۱۳۸۹)، نظامی (۱۳۸۸)، مرادی و ثنائی (۱۳۸۵) و بشارت و همکاران (۱۳۸۴) همخوانی دارد.

در تبیین این یافته می‌توان گفت: کنترل هیجانی یک ویژگی شخصیتی است که در اشخاص گوناگون متفاوت است؛ یعنی افراد براساس میزان کنترلی که بر عواطف و هیجانات مثبت و منفی خود دارند، واکنش‌ها و رفتارهای متفاوتی نشان می‌دهند. برای استفاده از استراتژی‌های حل تعارض نیز با توجه به میزان بالا یا پایین بودن کنترل هیجانی، به‌کارگیری استراتژی‌های حل مسئله و تعارض متفاوت است. اما هیچ‌گاه نباید نقش محیط را در ایجاد چنین کنترلی در فرد نادیده گرفت. در کل، افرادی که به میزان زیادی از پرخاشگری کلامی و بدنی استفاده می‌کنند و کنترل مناسبی در هنگام عصبانیت یا برخورد با تعارضات از خود نشان نمی‌دهند و به‌طور مداوم در مورد افراد مقابل، بخصوص افراد دارای قدرت پایین مثل فرزندان‌شان از برخورد فیزیکی و پرخاشگری کلامی استفاده می‌کنند، در واقع فرزند خود را نیز تربیت کرده که در مواقع مشابه از این رفتارها برای حل تعارضات پیش‌آمده استفاده نماید. چنین فرزندانی در دوران جوانی و بزرگسالی در موقعیت‌های متعارض با اعتقاداتشان، بخصوص در مقابل افراد زیردست، از این راهکارهای پرخاشگرانه و مخرب استفاده می‌کنند. این حالت طی مرور زمان گسترش یافته و در موقعیت‌های تعارض با والدین نیز نمایان می‌شود. از این رو، طبق نظر محققانی همچون اکلز و ویگفیلد (۲۰۰۲) و ریان و پیترریج (۱۹۹۷)، ابراز جملات حمایت‌آمیز والدین به فرزندان هنگامی که آنها در حال انجام تکالیف یادگیری و حل تعارضات هستند، می‌تواند موجب آمادگی و افزایش انگیزش و پشتکار آنها در تکالیف و در نتیجه، گسترش رفتارهای خودتنظیمی هیجانی شده و از سوی دیگر مانع استفاده از راه‌حل‌های مخرب در رفع تعارضات گردد.

همچنین طبق یافته‌های حاصل از این پژوهش، بین اعتقادات مذهبی و راهبردهای حل تعارض فرد با والدین در دانشجویان رابطه معنادار وجود دارد. در کل، بین اعتقادات مذهبی و راهکار استدلال دانشجویان رابطه مثبت معنادار وجود دارد. در عین حال، بین اعتقادات مذهبی با راهکار پرخاشگری کلامی و راهکار پرخاشگری فیزیکی دانشجویان رابطه منفی معنادار وجود دارد. به عبارت دیگر، با افزایش اعتقادات مذهبی میزان استفاده از راهکار حل تعارض استدلال افزایش و میزان استفاده از راهکارهای حل تعارض پرخاشگری کلامی و فیزیکی کاهش می‌یابد. بنابراین، فرضیه دوم تأیید شد.

نتایج حاصل از این فرضیه، با یافته‌های تحقیقات باتلر و دیگران (۲۰۱۰)، مسی (۲۰۱۰) و نووال (۲۰۱۰)، براندفور و دیگران (۲۰۰۸)، میلر و همکاران (۲۰۰۰) و خداپناهی و خاکسار بلساجی (۱۳۸۴) همخوانی دارد.

در تبیین این یافته می‌توان گفت: طبق تحقیق افرادی همچون احمدی (۱۳۸۶) و پژوهش‌های مختلف دیگر که نشان می‌دهند اعتقادات دینی و تقیدات مذهبی با آسیب‌پذیری کلی خانواده همبستگی منفی

داشته و کسانی که نگرش مثبتی نسب به مسائل دینی داشته و پابندی عملی به مسائل مذهبی دارند، دارای سلامت خانوادگی بیشتری می‌باشند و از نظر خانوادگی راضی‌تر بوده و اعضای خانواده بدون اینکه از یکدیگر دور شوند، بر رفتار هم نظارت و کنترل دارند، می‌تواند بیانگر این نکته باشد که اعتقادات مذهبی در زمینه اینکه همیشه کسی ناظر بر رفتار مثبت و منفی انسان است و به آنها پاداش می‌دهد. در عین حال، استفاده از راهکارهای حل تعارض سفارش شده در آموزه‌های دینی مثل صحبت و گفت‌وگو در مورد مسئله تنش‌زا و عدم تصمیم‌گیری و یا سکوت کردن و کظم غیظ، در هنگام خشم و چنین سفارشات از سوی دین مبین اسلام، و از سوی دیگر، سفارش به عدم پرخاشگری و ناسپاسی در مقابل افرادی از جمله پدر و مادر و معلم، که برای رفاه و تعالی انسان تلاش می‌کنند، خود می‌تواند عاملی در استفاده از راهبرد استدلال و گفت‌وگو به هنگام برخورد با موضوعی باشد که موجب تعارض با والدین می‌شود، این نکته، خود می‌تواند تأییدکننده رابطه بین اعتقادات مذهبی و استفاده از راهکارهای حل تعارض استدلال و عدم به‌کارگیری راهکار پرخاشگری کلامی و فیزیکی باشد.

طبق یافته‌های حاصل از این تحقیق، بین تنظیم هیجانی و اعتقادات مذهبی با راهبردهای حل تعارض با والدین در دانشجویان رابطه چندگانه وجود دارد. به عبارت دیگر، با افزایش تنظیم و کنترل هیجانی و استحکام اعتقادات مذهبی، میزان استفاده از راهکار حل تعارض استدلال افزایش و میزان استفاده از راهکارهای حل تعارض پرخاشگری کلامی و فیزیکی کاهش می‌یابد. بنابراین، فرضیه سوم تأیید شد.

نتایج حاصل از این فرضیه، با یافته‌های *براون* (۲۰۱۱)، *باتلر* و *دیگران* (۲۰۱۰)، *براندفورد* و *دیگران* (۲۰۰۸)، *مورگان* و *همکاران* (۲۰۰۶)، *اسپرینگر* و *دیگران* (۲۰۰۶)، *شاو، بی.* و *دیگران* (۲۰۰۴)، *دای* و *کیلدوف* (۲۰۰۳)، *فاریو* و *کیناست* (۲۰۰۲)، *ایمانی‌فرد* و *کامکار* (۱۳۸۹)، *نظامی* (۱۳۸۸) همخوانی دارد.

بر این اساس، باید توجه داشت که افراد در زندگی روزانه خود بر پایه باورهای شخصی و دیدگاهی که درباره دیگران، خود (مثلاً من شایسته هستم)، جهان (مثلاً جهان عادلانه است)، و یا هر دو (مثلاً من می‌توانم جهان را تغییر دهم) دارند، رفتار می‌کنند. این باورها و دیدگاه‌ها، برای فرد یک سیستم معنایی شکل می‌دهد. این سیستم معنایی به فرد اجازه می‌دهد که به جهان اطراف خود معنا دهد و براساس این معنادهی به انتخاب هدف و سپس، عمل و رفتار مبتنی بر اهداف انتخاب شده بپردازد. مذهب می‌تواند منبع عظیم و بی‌نظیری برای سیستم معنادهی فرد باشد. مؤلفه‌های سیستم معنادهی، که متأثر از مذهب هستند، شامل باورها، وابستگی‌ها، انتظارات و اهداف به‌عنوان نقطه مرکزی هیجانات و افعال فرد عمل می‌کنند (سیلبرمن، ۲۰۰۵، ص ۶۵۶). بنابراین، می‌توان گفت: چنانچه فرد دارای سطح دین‌داری افزون‌تری باشد، به تبع آن معنایی که به خود و جهان اطرافش می‌دهد، توأم با احساس ارزشمندی و هدفمندی است که می‌تواند هیجانات شخص

را کنترل و تنظیم نماید. از سوی دیگر، این اعتقادات مذهبی و هیجانات مناسب و کنترل شده، در موقعیت‌های برانگیزاننده تعارض، فرد را کمک کرده تا بهترین تصمیم را برای حل آن گرفته و بهترین برخورد را با افراد برانگیزاننده تعارض، که می‌توانند والدین شخص باشند، اتخاذ نماید. در عین حال، آموزه‌های دینی بسیاری فرد را به احترام به والدین سفارش نموده‌اند، در صورتی که فرد از نظر اعتقادات مذهبی در سطح مناسب و رشدیافته‌ای قرار گرفته باشد، همین عامل در هنگام بروز تعارض با والدین، موجب کنترل هیجانی شخص شده و موجب به‌کارگیری بهترین راه‌حل یعنی استدلال، برای برطرف کردن تعارض با پدر و مادر می‌شود. این مسئله، خود می‌تواند دلیلی احتمالی در جهت تبیین این یافته که نشان می‌دهد، بین تنظیم هیجانی و اعتقادات مذهبی با راهبردهای حل تعارض با والدین رابطه معنادار وجود دارد، باشد.

لازم به یادآوری است که در این پژوهش مانند پژوهش‌های دیگر، محدودیت‌هایی وجود داشته است. نخست اینکه، برای جمع‌آوری داده‌ها، از پرسش‌نامه استفاده شد. با توجه به اینکه، پرسش‌نامه جنبه خودسنجی دارد و ممکن است در پاسخ‌ها حالت سوگیری وجود داشته باشد، پیشنهاد می‌شود در تحقیقات بعدی از روش مصاحبه نیز استفاده شود. همچنین نتایج این پژوهش، مربوط به دانشجویان واحد اهواز است. از این رو، تعمیم نتایج به افراد دیگر با محدودیت روبه‌روست. پیشنهاد می‌شود این تحقیق در سایر گروه‌ها مثل مقاطع سنی دیگر و در فرهنگ‌های مختلف بررسی شود. همچنین مطالعه حاضر یک پژوهش مقطعی و از نوع همبستگی است، این امر نتیجه‌گیری علت و معلولی را با دشواری روبه‌رو می‌سازد. پیشنهاد می‌شود برای تحقیقات بعدی، از روش تحلیل مسیر استفاده شود که روابط علت و معلولی در گذشته بررسی شود.

منابع

- احمدی، خدابخش، ۱۳۸۶، «بررسی رابطه بین اعتقادات دینی و آسیب‌پذیری فرهنگی خانواده»، *علوم رفتاری*، سال اول، ش ۱، ص ۷-۱۶.
- آرین، سیده‌خدیجه، ۱۳۷۸، *بررسی رابطه بین دینداری و درمان دوستی ایرانیان مقیم کانادا*، پایان‌نامه دکتری، روان‌شناسی، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی.
- اسدی نوقانی و همکاران، ۱۳۸۴، *روان پرستاری*، تهران، بشری.
- آقازاده، محمد و علی احدیان، ۱۳۷۷، *مبانی نظری و کاربردهای آموزشی نظریه فراشناخت*، تهران، پیوند.
- امینیان، مریم، ۱۳۸۸، *رابطه تنظیم هیجانی، رخدادهای منفی زندگی و تصویر از بدن با اختلالات تغذیه در زنان و دختران شهر اهواز*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، روان‌شناسی، اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی.
- ایمانی‌فرد، عفت و منوچهر کامکار، ۱۳۸۹، «مقایسه خشونت خانگی و نگرش‌های ناکارآمد در دختران فراری و عادی» ۱۳۸۹، *یافته‌های نو در روان‌شناسی*، سال پنجم، ش ۱۴، ص ۵۳-۶۸.
- بایاپورخیرالدین، جلیل، ۱۳۸۱، *بررسی رابطه بین شیوه حل مسئله، شیوه حل تعارض و سلامت روان‌شناختی در میان دانشجویان*، پایان‌نامه دکتری، روان‌شناسی، تهران، دانشگاه تربیت مدرس.
- بشارت، محمدعلی و همکاران، ۱۳۸۴، «بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی و مشکلات بین شخصی»، *روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران*، سال چهارم، ش ۳، ص ۷۴-۸۲.
- بکتاش، ماری و همکاران، ۱۳۸۴، «اثر گروه مواجهه در حل تعارض مادرها و دخترهای ۱۵-۱۶ساله تهرانی» ۱۳۸۴، *تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره*، ش ۴ (۱۵)، ص ۹۳-۱۰۴.
- بولتون، رابرت، ۱۳۸۱، *روان‌شناسی روابط انسانی (مهارت‌های مردمی): چگونه ابراز وجود کنید*، ترجمه حمیدرضا سهرابی، تهران، رشد.
- بیابانگرد، اسماعیل، ۱۳۸۴، *روان‌شناسی نوجوانان*، تهران، فرهنگ اسلامی.
- ثنایی، باقر و دیگران، ۱۳۸۷، *مقیاس‌های سنجش خانواده و ازدواج*، تهران، بعثت.
- حشمت‌السادات، بهرام، ۱۳۸۳، *رابطه والدین با فرزندان*، در: <http://mashregh.ws/read>
- حیدرئی، علیرضا و فرشته اقبال، ۱۳۸۹، «رابطه دشواری در تنظیم هیجانی، سبک‌های دلبستگی و صمیمیت با رضایت زناشویی در زوجین صنایع فولاد شهر اهواز»، *یافته‌های نو در روان‌شناسی*، سال پنجم، ش ۱۵، ص ۱۱۱-۱۲۴.
- خدایپناهی، محمدکریم و محمدعلی خاکسار بلداجی، ۱۳۸۴، «رابطه جهت‌گیری مذهبی و سازگاری روان‌شناختی در دانشجویان»، *روان‌شناسی*، سال نهم، ش ۳ (پیاپی ۳۵)، ص ۳۱۰-۳۲۰.
- خدایاری فرد، محمد و دیگران، ۱۳۸۷، «*رابطه دین‌داری و خودکنترلی پایین با استعداد سوء مصرف مواد در*
- دانشجویان*» در: مجموعه مقالات چهارمین سمینار سراسری بهداشت روانی دانشجویان، دانشگاه شیراز.
- زابلی، پریسا و دیگران، ۱۳۸۴، «سنجش سودمندی روش روان‌نمایشگری در بهبود مهارت‌های رفع تعارض مادران با دختران دانش‌آموز سال اول دبیرستان‌های منطقه ۲ تهران»، *تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره*، سال چهارم، ش ۱۳، ص ۸۱-۹۸.
- سموعی، راحله، ۱۳۸۲، *بررسی نوع، میزان و علل پدیده گسست ارتباطی بین دانش‌آموزان دوره راهنمایی و اولیاء آنها در شهر اصفهان*، اصفهان، سازمان آموزش و پرورش.
- عسگری، پرویز و دیگران، ۱۳۸۸، «رابطه اعتقادات مذهبی و خوش‌بینی با سلامت معنوی دانشجویان دانشگاه آزاد اهواز»، *یافته‌های نو در روان‌شناسی*، سال چهارم، ش ۱۰، ص ۲۷-۳۹.
- کامرانی فکور، شهربانو، ۱۳۸۵، «شیوع خشونت‌های خانوادگی تجربه شده در کودکان فراری و غیرفراری»، *رفاه اجتماعی*، سال ششم، ش ۲۲، ص ۱۹۷-۲۱۸.
- مرادی، امید و باقر ثنائی، ۱۳۸۵، «بررسی اثربخشی آموزش مهارت‌های حل مسئله بر تعارضات والد-فرزند در دانش‌آموزان پسر مقطع متوسطه شهر تهران»، *تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره*، ش ۲۰، ص ۲۳-۳۸.
- موحد، احمد، ۱۳۸۲، *بررسی رابطه بین نگرش‌های مذهبی، خوش‌بینی، سلامت روانی و سلامت جسمانی در دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، روان‌شناسی، اهواز، دانشگاه شهید چمران.
- نظامی، مانداناسادات، ۱۳۸۸، *اثربخشی آموزش شیوه‌های فرزندپروری بر راهبردهای حل تعارض فرزندان و والدین*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، روان‌شناسی، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- نوابی‌نژاد، شکوه، ۱۳۷۷، *رفتارهای بهنجار و نابهنجار کودکان و نوجوانان و راه‌های پیشگیری و درمان ناهنجاری‌ها*، چ ششم، تهران، انجمن اولیاء و مربیان.
- Bradford, K, & et al, 2008, When There Is Conflict, Interparental Conflict, Parent-Child Conflict, and Youth Problem Behaviors, *Journal of Family*, v. 1, 29 no. 6, p. 780-805.
- Brown, C. L., 2011, *The Effects of Parental Conflict and Close Friendships on Emotion Regulation in Adolescence*, Distinguished Majors Thesis, University of Virginia.
- Butler, M. H, & et al, 2010, Prayer as a Conflict Resolution Ritual: Clinical Implications of Religious Couples' Report of Relationship Softening, Healing Perspective, and Change Responsibility, *The American Journal of Family Therapy*, v. 30, p. 19-37.
- Day, D. V & Kilduff, K, 2003, "Self-monitoring personality and work relationships: individual difference in social network", In Barrick MR, Ryan AM (Eds), *personality and work: reconsidering the role of personality in organizations* (p. 205-228). San Francisco: Jossey-Bass.
- Eccles, J. S, & Wigfield, A, 2002, Motivational beliefs, values and goals, *Annual Review of Psychology*, v. 53, p. 109-132.
- Farber, E, Kinast, C, 2002, Violence in families of adolescent runaway, *Child Abuse and Neglect*, v. 63 (10), p. 295-299.
- Keskin, G, 2008, Relationship between mental health, parental attitude and attachment style in

- adolescence, *Anadolu Journal of Psychiatry*, v. 9 (3), p. 139-147.
- Krause, N, 2003, Religious meaning and subjective wellbeing in late life, *The journal of Gerontology*, v. 58, p. 160-170.
- Lawler- Row, & et al, 2006, The role of adult attachment style in forgiveness following an interpersonal affiances, *Journal of counseling&development*, v. 84, p. 493-502.
- Messay, B, 2010, *The relationship between quest religious orientation, forgiveness and mental health*, Master thesis, University of Dayton.
- Morgan. P.D, & et al, 2006, Spiritual well-being, religious coping, and the quality of life of African American breast cancer treatment: a pilot study, Department of Nursing, *Fayetteville State University*, v. 17 (2), p. 7-73.
- Nuval, J. A, 2010, *The relationship of with intrinsic and extrinsic components of religiosity in the older adult female*, Ph.D. dissertation, Indiana state University, Terre Haute, Indiana.
- Reiesch, S. K & et al, 2003, Communication approach to parentchild conflict: young adolescence to young adult, *Journal of Pediatric Nursing*, v. 18 (4), p. 244-256.
- Rice, F. D, 1996, *Intimate relation ships, marriage and family*, California. Cole.
- Robbins, S. P, 2006, Organizational behavior, Eleventh edition, Prentice- Hall Inc, *Journal of Psychology*, v. 1, p. 617-630.
- Ryan, R. M, & Pintrich, P. R, 1997, Should I ask for help? The role of motivation and attitudes in adolescents help seeking in math class, *Journal of Educational Psychology*, v. 89, p. 329-341.
- Shahrokni, H, 2002, Dealing with conflict, Management Development, *Journal of Psychology*, v. 34, p. 18-23.
- Shaw, B. A, & et al, 2004, Emotional support from parents early in life, aging, and health, *Journal of Psychology and Aging*, v. 19, p. 4-12.
- Silberman, I, 2005, Religion as a meaning system: implications for the new millennium, *Journal of social issues*, v. 61 (4), p. 641-663.
- Springer, A, & et al, 2006, Supportive social relationships and adolescent health risk behavior among secondary school students in EL Salvador, *Journal of Social & Medicine*, v. 62, p. 1628-1640.
- Stright, A. D, & et al, 2001, Instruction begins in the home: Between parental instruction and children s selfregulation in the classroom, *Journal of Educational Psychology*, v 93, p. 456-466.
- Tampson, R. A, 1994, Emotion regulation: A theme in search of definition, In N.A.Fox(Ed.), *the development of emotion regulatin: Biological and behavioral considerations* (p. 25-52). Chicago: the University of Chicago press.
- Vimz, B & pina, W, 2010, The assessment of emotion regulation: Improving construct validity in research on psychopathology in Yoth, *Journal of psychological Behaviour assessment, published online*, v.10 (1), P. 169-178.
- Zimmerman, B. J, & Martinez-Pons, M, 1988, Construct validation of a strategy model of student selfregulated learning, *Journal of Educational Psychology*, v. 80, p. 284-290.